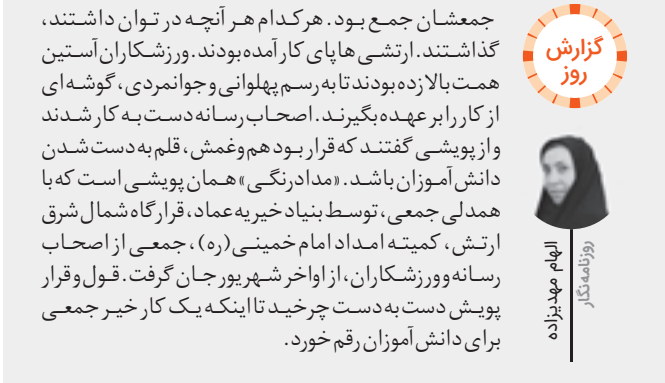


از پوشش «مداد رنگی» تا پوشش «نان و مهر»

روایت همدلی بنیاد خیریه عماد و دیگر خیران برای دانش آموزان نیازمند



● روایت یک خیر جمعی «سلام فرمانده! سلام ازاین نسل غیور جامانده، تمام شور و شوقشان رادر صدایشان جمع کرده اند تا قدرتی مضاعف به صدای کودکانه ببخشند.

شروع مراسم تجلیل از خیران پوشش «مداد رنگی» با حضور ۶۰ نفر از کودکان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی ^(۱)

اداره ۷ مشهد با خواندن سرود «سلام فرمانده» حال و هوای دیگری داشت. هیجان مراسم با حضور پسران خورشید و حرکات نمایشی آنان واعضای تیم ملی طناب زنی به اوج رسید. هدف برپایی یک دورهمی شاد برای کودکان بود، شادی ای که از صبح و با رفتن به مهمان سرای حضرت امام رضا^(ع) شروع شده بود.

دراین مراسم ازحاج غلامرضا نجات زاده، خیر گمنام مشهدی، نیز تجلیل شد. این خیر مشهدی بخشی از حیاط منزل شخصی اش را ااشیزخانه کرده است و همراه دو نفر دیگر وبا هزینه شخصی، دوشنبه های هر هفته، بالغ بر ۷۰۰ پرس غذا برای اهدا به خانواده های نیازمند و بیماران خاص نظیر مبتلایان به ایدز می پزند.

نیکوکاری عماد است. اودرباره مراسم تجلیل از خیران پوشش مدادرنگی می گوید: حاج آقا نجات زاده از خیران



● از آموزش های دینی خبری نیست والدین ترمه. سال گذشته، اورادر مهد کودک معروفی ثبت نام کردند اما توقع داشتند کنار بازی ونقاشی، قرآن یا احکام دینی هم یاد بگیرد که بعد از یک سال معلوم شد اصلا برنامه مهد این نیست. مادرش، مریم، توضیح می دهد: بچه در چهار سالگی برای آموختن هر نکته ای، پذیرش دارد. ما هم دوست داشتیم با آن شهری گران لا اقل همه نوع آموزش داشته باشند اما بعد از ماه ها فهمیدیم همانی نیستند که تبلیغ می کنند. هر روزشان به بازی می گذشت ودخترم بعد از یک سال حتی نمی توانست یک مداد رادرست داشتش بگیرد، چون اصلا برای چنین چیزی وقت نگذاشته بودند ومدعی بودند که این کارها مربوط به مدرسه است.

مادر پرهام نیز همین گلایه ها را دارد، بااین تفاوت که ملاک مهم انتخابش، منطقه بالای شهر بوده وهنوز به وعده های مربیان مهد و آموزش هایشان دلخوش است، «فرودین که پسر مرا ثبت نام کردم، برنامه ای

گمنامی است که سال هاست با خیریه بنیاد نیکوکاری عماد همراهی کرده است. او هر دوشنبه یا پخت غذا کمک شایانی به خانواده های نیازمند وفرزندان آن ها می کند.

ادامه صحبت وی، تأکید بر گمنامی این خیر مشهدی است: حاج آقا نجات زاده به هیچ عنوان حاضر به گفت وگو وحضور در مراسم تجلیل نیست.

کاطمی به نقش خیرانی که نام ونشانی از آنان نیست اما گام های بزرگی برای کمک به خانواده های نیازمند برداشته اند، اشاره می کند، افرادی که به گفته او، زیر این آسمان شهر بدون دادوفریاد رسانه ای وتبلیغاتی قدم خیر برداشته اند، افرادی که فقط خودشان وخدایشان از کار خیرشان خبر دارند. کاظمی ادامه می دهد: درباره آقای نجات زاده نیز هرچند خود این خیر مشهدی تمایل به اعلام اقداماتش ندارد، معتقدم باید گوشه ای از کارهای خیر او برای ترویج فرهنگ همدلی مطرح شود. نمونه کوچک آن، کمک حدودا ۴۰۰ میلیون تومانی این خیر در تهیه و پخت غذای نیازمندان است. این رقم فقط مربوط به یک سال اخیر است.

تلاش جمعی، نکته ای است که کاظمی در گفته هایش بر آن تأکید می کند. او به نقش اهالی رسانه وورزشکاران



در برگزاری و رونق این مراسم نیز اشاره می کند. به گفته او اصحاب رسانه جدا ازتلاشان برای تبلیغ پوشش مدادرنگی، بخشی از کار را بر عهده گرفتند. نمونه ای که کاظمی درباره این اقدامات ذکر می کند، هماهنگی حسین بیات، یکی از خبرنگاران شهرار، برای تهیه بلیت استخر این دانش آموزان است.

● بازگشت ۱۰ دانش آموز بازمانده از تحصیل به مدرسه کاظمی درباره کم و کیف پوشش مدادرنگی ونتیجه آن این طور روایت می کند: این پوشش اولین پوشش در حوزه نوشت افزار ولوازم تحریر بود که با همت جمعی چند نهاد و مردم اجرایی شد. با تلاش های جمعی، توانستیم ۳۰۰ بسته نوشت افزار، کیف و کفش آماده کنیم وبه دست دانش آموزان نیازمند برسانیم.

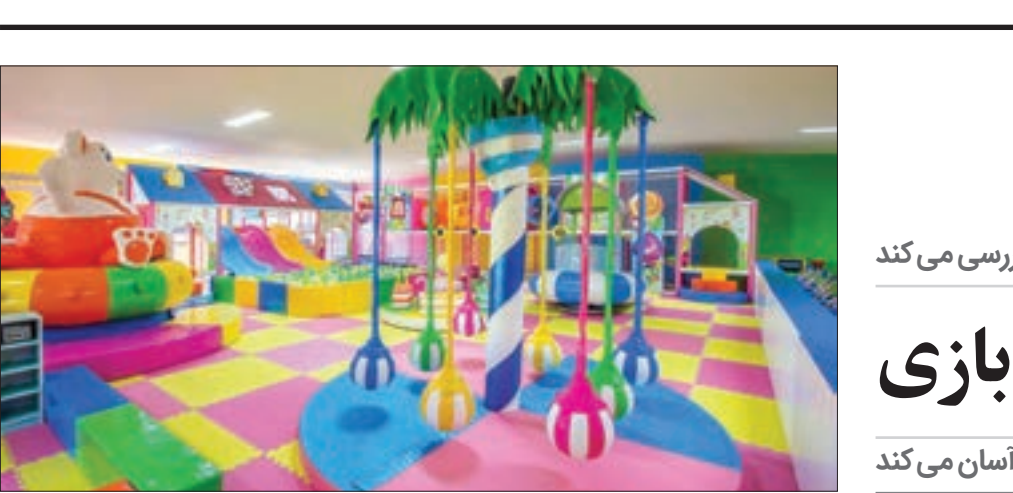
نکته ای که کاظمی به ادامه جملاتش اضافه می کند، مربوط به دانش آموزان بازمانده از تحصیل است، دانش آموزان مستعدی که با وجود استعداد وتوانایی بسیاری که دارند، دست خالی والدینشان سبب می شود از ادامه تحصیل باز بمانند. خیر این پوشش به این دانش آموزان نیز توجه ویژه شده است.

به گفته مدیر اجرایی بنیاد خیریه عماد با پوشش مدادرنگی، کار ثبت نام ۱۰ دانش آموز مستعدی که به دلیل

مشکلات اقتصادی خانواده نمی توانستند به مدرسه بروند، انجام شد واین دانش آموزان نیز مهرشان را با مهری مردمی برای بازگشت به مدرسه شروع کردند.

● نان ومهر «نان ومهر»، پوشش دیگری است که از دل پوشش مدادرنگی جان گرفت، پایه و بنیان این پوشش نیز به همان ذوق جمعی و همگانی مردم برای کمک به دانش آموزان نیازمند برمی گردد. مدیر اجرایی بنیاد نیکوکاری عماد می گوید: محال است طرحی برای دانش آموزان نیازمند اجرا شود و در کنار آن، همتی بلند از جمع خیران شکل نگیرد. اوپوشش نان ومهر رانیز از جنس همین پوشش ها وهمت های جمعی می داند ومعتقد است که این پوشش نیز همانند پوشش مدادرنگی با استقبال خیران ومردم روبه رو خواهد شد.

اما درباره کم و کیف پوشش نان ومهر، کاظمی این طور توضیح می دهد: قرار است در این پوشش، یک صبحانه گرم وزنگ میوه رامیزبان دانش آموزان مدارس کم برخوردار مشهد باشیم. او به جمع خیرانی که می خواهند بانی این کار باشند نیز اشاره می کند ومی گوید: تصمیم گرفته شده است پوشش نان ومهر از چهارشنبه وبانام متبرک ولی نعمت این



صادر می کردند و اکنون این ماجرا سازمان دهی شده است. منتهی از بزرگ ترین سازمان مجوز دهنده یعنی بهزیستی شروع می شود وبه تدریج بقیه هم به این مجموعه خواهند پیوست.

وی ستاره بندی مهد های کودک را به ابلاغ سامانه شهری منوط می داند و درعین حال یادآور می شود: ستاره دارشدن مهد ها روشی برای درآمدزایی شده و رقابتی منفی میان مهد ها شکل گرفته بود. از آنجا که سازمان تعلیم وتربیت در این زمینه به طور شفاف با ما صحبت نکرده، استنباط ما این است که این روش تغییر پیدا خواهد کرد.

او نحوه کنترل مهد ها را به دو بخش تقسیم می کند ومی گوید: براساس تقسیم بندی در هر ناحیه یک کارشناس پیش دبستانی داریم که مراجعه های مداوم دارند. مؤسسان مهد ها با آنان در ارتباط هستند وبانک اطلاعاتی شان در حال تکمیل است. به جز این موارد به طور متناوب بازدید های سرزده ای هم انجام می شود. علاوه بر همه این موارد، رسیدگی به شکایت ها همچون اختلاف بر سر شهری را به طور ویژه بررسی می کنیم.

● شهری به هنوز علی الحساب است احمدی ادامه می دهد: به طور کلی به این دلیل که هنوز سامانه شهری راه اندازی نشده وصحبت از ۴۰ درصد افزایش است، مؤسسات را بین ۲۰ تا ۲۵ درصد باتوجه به شاخص های مختلفشان برای دریافت شهری علی الحساب آزاد گذاشتیم. گاهی اعتراض والدین ناشی از نا آگاهی است، به این دلیل که تصور می کنند چون فرزندشان نوزاد یا کودک است، شهری اش هم باید کمتر از دانش آموز یادانشجو باشد. در حالی که کودک حتی برای انجام ابتدایی ترین وجزئی ترین کارهایش، نیاز به خدمات ومراقبت بیشتری دارد. مراقبت از کودک هزینه بر

است. وی بار دیگر باتأکید می گوید: به والدین توصیه می کنیم هنگام ثبت نام حتما مجوز اضافه خواهند شد. رامشاهده کنند، مجوز بهزیستی هم قابل اعتماد است وپس از آن اقدام به ثبت نام فرزند خود کنند.

شهرار

اشنبه
۱۴۰۱ مهر ۲۲
۱۴۴۴
شماره ۲۳
SHAHRAHNEWS.IR

۱۳
جامعه

یادداشت

نسل جدید کار کرد ازدواج را تغییر داد



در گذشته، ازدواج کارکرد اجتماعی بیشتری از کارکرد فردی آن داشت، یعنی نهاد ازدواج اولویت و کارکرد بیشتری برای خانواده گسترده یا خویشاوندی داشت

تا برای فردی که ازدواج می کرد. به همین دلیل تصمیم گیران اصلی اینکه کدام زن، عروس یک خانواده بشود، والدین وبستانگن نزدیک بودند. یک زن، اول «عروس» یک خانواده گسترده بود و در مقام دوم، «بانو» یا همسر یک مرد. برای یک خانواده

هم خصلت های خانوادگی واصل و نسب وبیوند های خویشاوندی وسلامت وتوانایی زن در فرزندآوری در درجه اول اهمیت قرار داشت وزیبایی ودلربایی زن در درجه دوم اهمیت. به همین خاطر اساسا یک دختر به جلوه گری وعشوهرگری و یادگرفتن فنون وروش های آن نیازی نداشت. اومستول پیدا کردن همسری برای خود نبود. این خانواده اوبودند که قرار بود دریافتن شوهری برای دخترشان موفق شوند. عاملان اصلی همسر یابی، والدین و خویشاوندان بودند. نه خود افراد. از یک زن انتظار می رفت از خانواده خوبی برخاسته باشد، تعامل خوبی با خانواده همسرش داشته باشد، به وظایف نقشی خود به عنوان یک عروس و یک همسر عمل کند. به همسرش (ودر واقع خانواده او) وفادار باشد، بتواند فرزند زایی داشته باشد وآن ها را بزرگ کند. به همین دلیل صفاتی همچون اصالت، نجابت، پاکدامنی وعفت جزو اصلی ترین صفاتی بودند که برای ارزیابی دختر مناسب برای ازدواج مورد ارزیابی قرار می گرفت. پس از این ویژگی های اصلی، نوبت به خصلت های ثانویه ای همچون زیبایی می رسید که در صورت وجود، موجب فخر بیشتر خانواده در مجالس ومجامع زنان می شد. زیبایی وشهوگری زن صرفا کارکردی شخصی برای فرد داشت که آن هم بسیار گاروبود، به این دلیل که خصلت ها خیلی زود برای مرد عادی می شد و دیگر لذتی که قبلا از این ویژگی ها می برد، برایش مهیا نبود. زیبایی وجذابیت زن کارکرد اجتماعی برای مرد نداشت، به این دلیل که اساسا این بخش از ویژگی های زن درمجامع مردانه جایی نداشت. نه از آن صحنیتی می شد ونه نمایشی از آن داده می شد. به همین دلیل می بینیم که شیوه همسرگزینی وهمسریابی به صورت باواسطه و توسط خانواده همسر طی مراسم خواستگاری انجام می شد.

● ظاهر یا باطن؟! با تغییر ساختار روابط اجتماعی این شیوه همسرگزینی نیز تغییر یافت و در نتیجه رفتارهای دختران جوان نیز متفاوت شد. با اختلاط بیشتر جلسات ودور همی ها وشکل گیری جمع های خانوادگی، خویشاوندی ودوستانه مختلط که در آن زنان ومردان سر یک سفره می نشستند وبا یکدیگر در خیابان قدم می زدند ومردان دیگر ممکن بود همسرانشان راببینند ومرد می توانست به طور ضمنی به زیبایی یا جذابیت همسرش فخر بفروشد، خصلت زیبایی اهمیت بیشتری یافت. تصور کنید که پیش از آن، مردان بیگانه احتمالا هیچ گاه همسر دوست یا همکار یا خویشاوندشان رانمی دیدند واگر هم مواجهه ای اتفاق می افتاد با وجود حجاب حداکثری که خیلی اوقات حتی صورت رانیز می پوشاند، چنین فخر وتحسین (یا در مقابل سرشکستگی وتحقیری) امکان پذیر نبود.

از سوی دیگر، با کوچک شدن خانواده گسترده به خانواده هسته ای وبه ویژه با جدایی مکانی بیشتر خانواده ها در زندگی شهری به دلیل اقتضات حرفه ای و کاری، کاهش مرادات وتقویت حریم خصوصی در خانواده ها، نهاد ناشویی از سیطره خانواده گسترده خارج شد. دیگر زن درگام اول عروس یک خانواده گسترده محسوب نمی شد، بلکه بانوی یک مرد به حساب می آمد. در نتیجه، وظایف نقش «بانویی» بر وظایف نقش «عروس» خانواده اولویت پیدا کرد. زن درگام اول می بایستی همسر مطلوبی برای شوهر باشد تا عروس پسندیده ای برای خانواده شوهر. پیامدهای این جابه جایی نقشی چیست؟

● خواستگاری سنتی یا ...! قاعدا تا انتظار داریم درگام نخست، آن دسته خصلت هایی درزن اولویت داشته باشد که کارکرد مستقیم برای شوهر دارد، وعمدت ناظر به وظایف همسر داری است. زنی مطلوب تر است که بتواند به شیوه بهتری این وظایف را ایفا کند وبه نیازهای شوهرش به شکل مطلوب تری پاسخ دهد. مجددا انتظار می رود که یک زن به همسرش، وفادار باشد. همچنین زیبایی، اخلاق پسندیده، همراهی در برنامه ها ومناسبت ها جزو این خصلت ها محسوب می شود. دریک گام بعدی که هم برای زنان باهمسرانشان باحجاب کم (مانتو وروسری یا شال) در جامعه متداول شد وزنان توانستند زیبایی ها وجذابیت های خود را به دیگران بنمایانند، این خصلت نیز به عاملی برای تفاخر وایجاد تمایزهای اجتماعی (برای مردان) بدل شد؛ یعنی مردان نیز تمایل پیدا کردند که زنانشان آراسته وزیادرمجامع عمومی حاضر شوند واز آن به عنوان عامل امتیاز خود استفاده کردند. زمانی که کارکرد نهاد زناشویی و ازدواج اولا وابسته به شوهر وسپس خانواده او شد، پسران جوان تمایل پیدا کردند وفرایند همسرگزینی نقش پررنگ تری داشته باشند. از مرحله ای که اساسا مرد، همسر برگزیده خود راتازه سر سفره عقد می دید، به مرحله ای رسیدیم که مردان نیز در جلسات نهایی خواستگاری حضور پیدا می کردند، سپس مرحله ای که پسران جوان از جلسه دوم در فرایند خواستگاری مشارکت داشتند وگفت وگو تحت نظارت خانواده های طرفین در اتاقی در بسته صورت می گرفت، تا مرحله دیگه که پسر ودختر خود یکدیگر رادر تعاملات مستقیم انتخاب می کنند، سپس از مراسم خواستگاری برای پوشش آیینی ومناسکی فرایند همسر یابی استفاده می کنند. یعنی والدین صرفا وظیفه غسل تعمید دادن همسرگزینی را بر عهده دارند که قبلا از سوی طرفین انجام شده است. جامعه شهری ما اکنون در این مرحله به سر می برد. پسر ودختر یکدیگر رادر خیابان، محل کار یاتحصیل، پارک یا هر جای دیگری می بینند. با یکدیگر اولین تعاملات رابرقرار می کنند. احتمالا به هم علاقه مند می شوند. مدتی رادر دوستی باهم سپری می کنند وبعد ممکن است تصمیم بگیرند به این باهم بودن، خصلت رسمی ومشروع تری بدهند، پس باهم ازدواج می کنند. این یادداشت ادامه دارد...